



انوشیروان محسنی بندپی، استاندار تهران روز جمعه در گرد همایی عوامل انتخابات ۱۴۰۰ استان تهران اظهار کرد: «اگر به ارکان انتخابات نگاه کنیم، سه رکن این انتخابات اهمیت ویژه‌ای دارد و آن عبارت است از سلامت، امنیت و مشارکت حداکثری. وظیفه ذاتی مادر وزارت کشور، استانداری‌ها، فرمانداری‌ها و بخشداری‌ها

۲۰ هزار نیرو در تهران برای صیانت از صندوق‌های رای قرار دادیم

باکمک دیگر نهاد‌ها، تامین سلامت و امنیت است. در تهران بزرگ نزدیک ۲۰ هزار نفر نیرو برای حفاظت و صیانت از صندوق‌های رای و تامین امنیت مردم قرار داده‌ایم.» بندپی با بیان این‌که بی‌طرفی، قانون‌مداری و توجه به حق الناس راهبردی است که از سوی عوامل اجرایی به‌درستی رصد و برنامه‌ریزی می‌شود، ادامه داد:

«نزدیک ۵۰۰۰ نیرو در غرب استان تهران تعیین کرده‌ایم و سپاه حضرت سیدالشهدا و محمد رسول... اعلام کرده‌اند در هرجا کمبود نیرو باشد، به کمک نیروی انتظامی خواهند آمد. همچنین ۲۲ جلسه امنیتی برگزار کرده‌ایم و ۱۶ جلسه عوامل نظامی و انتظامی بررسی کرده‌اند تا پیش‌بینی پیشگیری و بازدارندگی صورت گیرد.»

جام جم از ۲۱ مطالبه اولویت‌دار مردم از رئیس‌جمهور آینده می‌گوید؛ آیا این دغدغه‌ها امروز در سومین مناظره نامزدهای ریاست‌جمهوری مورد توجه قرار می‌گیرد؟

دغدغه‌های‌جمهور

امروز سومین مناظرات تلویزیونی نامزدهای انتخابات سیزدهمین دوره ریاست‌جمهوری برگزار خواهد شد. از آنجا که در دو مناظره قبلی رضایت مخاطبان حداقلی بود و نامزدها به جای بیان برنامه‌های خود به مشکلات یک‌دیگر پرداختند، انتظار می‌رود در مناظره سوم رویه تغییر کند و مسیری طی شود که برنامه‌ها با جزئیات اجرای آن به سمع و نظر مردم برسد. مشکلات اقتصادی سال‌هاست به‌پاشنه‌اشیل کشور تبدیل شده و طی یک دهه گذشته رهبر معظم انقلاب، نام‌سال‌ها را اقتصادی انتخاب کردند تا دولت‌های وقت برنامه‌ریزی خود را بر اساس شعار سال انجام دهند اما کوتاهی‌ها در ادوار گذشته باعث بروز چنین مشکلاتی شده‌است. وعده‌های نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری با خواسته‌های مردم نزدیک است اما مهم‌ترین آنها بیان نمی‌شود. به طوری که در دو مناظره قبلی زمانی که از یک نامزد سوال می‌شد برنامه شما در حوزه اقتصاد چیست، کلی‌گویی و حمله به نامزدهای دیگر جای خود را به ارائه برنامه می‌داد و با بیان جمله باید و نباید صحبت خود را خلاصه می‌کردند. از این رو جام جم اقدام به تهیه گزارشی کرده که مهم‌ترین خواسته‌های مردم آمده‌است و برخی از آنها در شعار نامزدهای انتخاباتی شنیده می‌شود. انتظار می‌رود در مواردی که مورد انتظار جامعه است نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری جزئیات برنامه‌های خود را بیان کنند تا مردم نامزد اصلح را برگزینند.

پاکدستی و ساده‌زیستی

آثانی که تجربه زیست با مدیران دهه‌۶۰ را دارند حتما به این نکته اذعان می‌کنند که در آن مقطع کارگزاران نظام، رفتاری تحسین برانگیز داشتند و مهم‌ترین ویژگی آنها بی‌اعتنایی به مال دنیا و اهتمام به خدمت بود. به همین دلیل آن دوره را به عنوان دوره پاسداری از ارزش‌ها می‌شناسند و این امید و آرزو همچنان باقی است که مدیران نظام جمهوری اسلامی بهره‌ای کافی از آن روحيات ارزشمند داشته باشند. مدیران آن دوره از ارزش‌هایی چون قناعت، اخلاص، ایثار و ساده‌زیستی دفاع می‌کردند. اما در دوره‌های بعد گرچه تلاش فراوانی شد که همچنان آن روحیه حفظ شود اما رفاه‌طلبی و اشرافیگری برخی مسؤولان، بین آنان و ارزش‌های انقلابی فاصله انداخت. در دوره‌هایی هم البته قبل از انتخابات، نامزدها برای این‌که نشان دهند همچنان مثل مدیران پیشینی دهه شصتی هستند با مردم عادی نشست و برخاست کردند و پای درد دل آنها نشستند و با آنها بر سر یک سفره غذا خوردند و حتی به خوردن نان و پنیر بسنده کردند. اما وقتی بر مسند قدرت نشستند، آن سفره ساده و همنشینی با مردم عادی را به فراموشی سپردند. نتیجه آن ساده‌پوشی و رفتار عادی و بدون تکبر با مردم کوچه و بازار و تلذوم آن وقتی مدیران بر جایگاه مدیریت کلان تکیه زدند، حتما تداوم پاکدستی نیست. بعدها اما این رویه عوض شد و بخشی از کارگزاران، سودای دیگری در سر پروراندند و به فکر کاریابی برای بستگان سببی و نسبی خود افتادند و بیت‌المال را مال‌البیت تصور کردند. در این دوره از انتخابات هم شاهد عکس یادگاری برخی نامزدها با طبقات فرودست جامعه هستیم و در عین حال، این امید و آرزو همچنان باقی است که از این پس هیات دولت و مدیران اجرایی صادقانه با مردم برخورد و مسیر ساده‌زیستی و پاکدستی را طی کنند.

اقتدار و امنیت

روگراری بود که ایران با توجه به تازه پا گرفتن نهال جمهوری اسلامی و بروز برخی ناپسمانی‌های سیاسی و اجتماعی و همچنین تحمیل شرایط جنگی از سوی دشمن خارجی، وضعیت پسمانی از نظر اقتدار و امنیت نداشت. در یکی دو سال اوایل انقلاب، برخی گروه‌های تروریستی از آشفتگی اوضاع استفاده می‌کردند و برای ایجاد رعب و ترس میان جامعه، مردم عادی و مسؤولان جمهوری اسلامی را با اقدامات تروریستی به خاک و خون می‌کشاندند. این روند با تقویت نهادهای مردم پایه‌ای مثل سپاه و تدارک ارتش به تدریج تغییر پیدا کرد و نه تنها در عرصه داخلی خطر اقدامات آیدایی گروهک‌های تروریستی کم‌رنگ شد، بلکه در عرصه هشت سال دفاع جانانه از این مرز و بوم، حتی یک وجب از خاک ایران اسلامی در اشغال متجاوزان باقی نماند. سال‌های بعد، با کوشش جوانان مستعد و با انگیزه در عرصه دفاعی و نظامی، جمهوری اسلامی به جایگاه رفیعی در حوزه منطقه‌ای و بین‌المللی دست یافت. اکنون کشور ما به عنوان یکی از بازیگران اصلی در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی نقش آفرینی می‌کند. در برهه‌ای از تاریخ دو دهه گذشته، مخالفان ایران گمان می‌کردند اعمال تحریم‌های اقتصادی و نظامی و همچنین تهدید نظامی می‌تواند مسیر حرکت جمهوری اسلامی را عوض کند اما روند ماجرا نسبت به دو دهه گذشته تغییر پیدا کرده است. غربی‌ها و به‌ویژه آمریکا‌یی‌ها همچنان ادعا می‌کنند گزینه جنگ روی مسز است اما با توجه به اقتدار و امنیتی که به واسطه تلاش‌های مجاهدانه جوانان متخصص و متعهد صورت گرفت کم‌کم این حرف از تهدید ایران در حد همان لفاظی‌های زبانی باقی ماند. در چنین شرایطی این اقتدار و امنیت سرمایه بزرگی برای دولت آینده است تا از این پس در گفت‌وگوهای دو جانبه و چند جانبه ضمن تاکید بر محترم بودن تعامل با دیگران از جایگاه قدرت حرف بزد و بر حقوق ملت ایران تاکید کند. طبعاً تداوم و استمرار این جایگاه مقتدرانه از وظایف و تکالیف قانونی دولت آتی است و عقب‌نشینی از مواضع، ضرری جبران‌ناپذیر در پی خواهد داشت.

سیاست خارجی

ایران از گذشته دور تاکنون از ویژگی‌های برجسته در حوزه بین‌الملل برخوردار بوده است. تاریخ تمدنی قوی، موقعیت جغرافیایی ممتاز در منطقه، جمعیت جوان، توانمندی داخلی، اقتدار نظامی، ایمان و اعتقاد و ده‌ها مولفه دیگر باعث شده جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری تاثیرگذار در تحولات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شناخته شود. طبعاً حفظ این جایگاه نیازمند داشتن سیاست خارجی مقتدرانه برای استمرار جایگاه ایران در عرصه تحولات بین‌المللی است. ایرانیان نشان دادند برای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با دولت‌ها و ملت‌های آن سوی مرزها از هیچ تلاشی فروگذار نیستند و اهل تامل و گفت‌وگو هستند. در کنار این مساله، حفظ غرور ملی و حقوق حقه ملت ایران کاری شوخی‌بردار نیست و قرار نیست به واسطه این تعاملات، فشارهای خارجی را بپذیرند و از منافع خود در حوزه‌های سیاسی، امنیتی و دفاعی و منطقه‌ای دست بردارند. در تجربه نه چندان خوشایند برجام که طی یک دهه اخیر دولت سیاست خارجی با اعتماد به دولت‌های غربی بروز کرد البته صدمات زیادی را به منافع ملی ایران در عرصه بین‌المللی وارد کرد اما با این وصف با تصمیماتی که از سوی ارکان تصمیم‌گیر نظام صورت گرفت، روند ماجرا تا حدود زیادی در حوزه بین‌المللی و تامین حقوق حقه ملت ایران در عرصه فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای تامین شد. در کنار این مساله، تجربه حضور موثر ایران در منطقه با تدابیری که از سوی نام‌آوران عرصه دفاع مثل شهیدان سلیمانی، همدانی و حجازی صورت گرفت به بی‌اثری طرح‌ها و برنامه‌های غرب، اسرائیل و برخی کشورهای مرتجع عرب در عرصه منطقه‌ای انجامید. در چنین شرایطی انتظار مردم از دولت آینده این است که عرصه دیپلماسی با همکاری و همیاری مردان میدان همچنان اقتدار جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی را حفظ کند.

پاسخگویی و شفافیت

یکی از شعارهای اصلی نامزدهای انتخاباتی این است در صورتی که به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شوند هم در رویه‌ها و رویکردهای خود شفاف عمل می‌کنند و هم نسبت به عملکردهای خود پاسخگو هستند. واقعیت آن است تجربه یکی دو دهه اخیر نشان داد شفافیت یکی از حلقات مفقوده میان مدیران اجرایی است. بروز بسیاری از ناپسمانی‌ها به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی، شکل‌گیری فساد میان برخی کارگزاران، وجود تنش در بازار سکه، طلا و ارز، توقف فعالیت بسیاری از کارخانه‌های تولیدی، افزایش بی‌رویه قیمت کالاهای مورد نیاز مردم، رشد بیکاری، افزایش تورم و ده‌ها مساله ریز و درشت دیگر حاکی از آن است که اگر مدیران در عملکرد خود شفافیت داشتند و نسبت به رویکردهایی که دارند، پاسخگو می‌بودند چنین مشکلاتی پیش نمی‌آمد. گذشته از این با پدیده دیگری هم روبه‌رو هستیم به این معنا که کارگزاران نه تنها پاسخگو نیستند، بلکه طلبکارانه با مردم برخورد می‌کنند. امروز در فضای مجازی تصاویر و فیلم‌هایی از برخی مدیران به اشتراک گذاشته می‌شود که حاوی برخورد طلبکارانه و مغرورانه تعدادی از کارگزاران با مردم است. روزگاری بود که مدیران، مردم را ولی نعمتان خود می‌نامیدند اما امروز با مدیرانی مواجه‌ایم که گویی همکلامی با شهروندان را دون‌شان مدیریتی خود می‌دانند. لازمه شکل‌گیری دولتی خدمت‌گزار و در خدمت مردم تغییر این نوع نگاه و تبدیل جایگاه رئیس به مخدوم جامعه است. در ماجرای گرانی بنزین در اواخر آبان ۹۸ شاهد بودیم که تصمیمی بدون اطلاع مردم از سوی مقامات مسؤول گرفته شد؛ بدون آن‌که توضیح روشن و شفافى درباره آن داده شود. این درحالی بود که رئیس‌جمهور اعدام کرد در جریان گرانی بنزین نبوده و صبح جمعه پس از گرانی متوجه قیمت جدید شده است.

تنظیم بازار مسکن

اواخر بهار و اوایل تابستان به فصل نقل و انتقال مسکن معروف است و حتی در شرایط فعلی که ستادملی مقابله با کرونا تصویب کرده که هر مستاجر با افزایش ۲۵درصد به مبلغ اجاره‌بهای خود می‌تواند اقدام به تمدید خودکار قرارداد کند، باز هم صاحبان ملک ارقام بالاتری تعیین می‌کنند و اگر مستاجر قبول نکند یک‌سالی با اختلاف باید در کنار هم زندگی کنند که شرایط برای دو طرف سخت خواهد شد. یکی از مواردی که دولت سیزدهم باید انجام دهد و به عنوان یک مطالبه‌عمومی مطرح شده، تامین مسکن برای خانوارهاست. حدود هفت میلیون مسکن در کشور وجود دارد و هزینه آن در سید هزینه خانوار طی سال‌های گذشته رشد زیادی داشته‌است. در تهران بیش از ۴۷درصد هزینه سبب‌خانوار مربوط به حوزه مسکن است و میانگین این رقم در کل کشور ۳۷درصد است. همچنین حدود پنج میلیون تقاضای انباشته در کشور وجود دارد که هر سال حدود یک‌میلیون به آن افزوده می‌شود، با این تقاسیر دولت سیزدهم باید برای مسکن به صورت ویژه برنامه‌ریزی کند و سالانه حداقل بین یک تا دو میلیون مسکن ساخته شود. افزایش ساخت و عرصه مسکن باعث کنترل قیمت آن در کشور خواهد شد.

بازگشت ثبات به اقتصاد

یکی از مواردی که عامه مردم طی سال‌های ۹۷ تا ۱۴۰۰ تجربه کردند ناپسمانی در حوزه اقتصاد بود. یکی از نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری در مناظره سال ۹۶ اعلام کرد ثبات به اقتصاد کشور بازگشته و موتور اقتصاد کشور روشن شده و حرکت‌کنندگی دارد و قطعاً سرعت آن زیاد خواهد شد اما یک‌سال از این اظهار نظر نگذشته بود که یک‌باره قیمت دلار در مدار صعود قرار گرفت. موضوع اصلی اینجاست که وعده‌هایی که به آن جامه عمل پوشانده نشود باعث از دست رفتن سرمایه اجتماعی کشور خواهد شد. یکی از عواملی که می‌تواند به ثبات اقتصاد در کشور کمک کند ثبات نرخ ارز است. متأسفانه دولت‌ها برای این‌که نشان دهند در زمینه ثبات اقتصادی تلاش می‌کنند در چهار سال اول نرخ دلار را به صورت دستوری ثابت نگه می‌دارند که در این شرایط بازارهای مالی مانند بورس، طلا، سکه، مسکن، خودرو و مواردی از این قبیل در یک مسیر معقول قرار می‌گیرند اما روش جایگزین بهتری وجود دارد که دولت وقت به ازای تورم اعلامی بانک مرکزی با مرکز آمار سالانه به میزان نرخ از بیفزاید. در آن زمان سرمایه‌گذاران با نگاه و تحلیل بهتری اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کنند. در این شرایط شوک‌های ارزی باعث جهش نرخ ارز نخواهد شد. تصور کنید، بر اساس آمارهای موجود سالانه حدود ۲۵درصد اقتصاد ایران تورم دارد. اگر طی چهار سال ۹۲ تا ۹۶ حتی هر سال ۲۵درصد به نرخ ارز افزوده می‌شد نرخ ارز ۳۵۰۰تومانی حدود ۸۵۰۰ تومان می‌شد اما ثابت نگه داشتن آن به صورت دستوری باعث شد در شوک ارزی فتر آن رها شود و در کمتر از یک‌سال به ۱۹ هزار تومان برسد. باز هم همین روش در سال ۹۸ به اجرا درآمد و نتیجه آن در سال گذشته مشخص شد و نرخ ارز به حدود ۳۳ هزار تومان رسید. این در حالی است که سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی افزایش می‌یابد اما منجر به تولید نخواهد شد. همچنین برخی نامزدها می‌گویند نقدینگی باید به سمت تولید هدایت شود که بیان مواردی مانند (باید) در علم اقتصاد جایی ندارد. زمانی نقدینگی به سمت تولید حرکت خواهد کرد که تولید بیش از سایر بازارهای مالی سودده باشد.

فقرزدایی و اشتغال



طبق تحقیقات انجام شده از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس ۶۱درصد شاغلان کشور فقیر هستند. این آمار نشان می‌دهد صرف ایجاد شغل منجر به کاهش فقر نخواهد شد و دولت سیزدهم باید با واقعی کردن درآمد شاغلان به کاهش فقر کمک کند. همچنین باید توجه داشت برای اشتغال‌یابی جزئیات آن اعلام شود تا مردم نسبت به ایجاد چند موقعیت شغلی در سال ذهنیت داشته باشند.

یکی از اقداماتی که دولت سیزدهم

باید انجام دهد و از جمله انتظارات مردم است، در حوزه شغل خلاصه شده که با بازگشت تحریم‌ها و شیوع ویروس کرونا یک اقتصاد ایران کوچک‌تر شد و مشاغل زیادی از بین رفت. با این‌که دولت با اعطای تسهیلات اشتغال قصد حمایت از آنها را داشت اما باز هم طبق گزارش‌های موجود حدود ۱/۵ میلیون نفر شغل‌شان را از دست دادند. بنابراین برای ایجاد شغل نیاز به ظرفیت جدید نیست بلکه باید از همه ظرفیت‌های موجود بهره برد.

بورس و امنیت سرمایه مردم

بازار سرمایه یکی از بازارهایی بود که سال‌ها مسوولان کشور به دنبال تزریق نقدینگی و هدایت سرمایه‌های خرد مردم به آن بودند اما زمانی که پول زیاد وارد این بازار شد سرورهای بازار سرمایه پاسخگو نبود. مهم‌ترین و اصلی‌ترین مشکلی که کارشناسان در حوزه بورس بیان می‌کنند این است که دولت، مردم را به بازار سرمایه دعوت کرد اما زمانی که باید عرضه اتفاق بیفتد تا حباب بورس از بین برود از این کار اجتناب کرد. در حالی که انتظار می‌رفت با عرضه بیشتر قیمت سهام را تحت مدیریت قرار دهد اما این اتفاق نیفتاد. هرچند بازار سرمایه، بازاری نوسانی و پرریسک است و تضمین شده نیست اما دعوت مردم این تضمین را داد تا سرمایه‌ها وارد این بازار شود؛ البته باید توجه داشت زمانی که بورس ایران سوددهی بالایی داشت نسبت به سایر بازارها از سوددهی بالاتری برخوردار بود که یکی از دلایل، اقبال مردم به بازار سرمایه کسب سود بیشتر عنوان می‌شد. انتظار می‌رود دولت سیزدهم برای مدیریت این بازار تامین مالی، پروژه‌های سودده خود را از طریق بازار سرمایه انجام دهد.